

مطالعه‌ی جامعه‌شناختی زمینه‌ها و پیامدهای تأخیر سن ازدواج در بین مردان مجرد شهر تهران

زهره مولانپناه*، احسان رحمانی خلیلی**، منصور وثوقی***

چکیده

تأخیر در ازدواج و تجربه‌ی طولانی‌شدن دوران مجرد برای جوانان در سال‌های اخیر به موضوع مهم و تأمل برانگیزی در شهرهای بزرگ ایران تبدیل شده است. این پژوهش با هدف مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته‌ی دیررسی ازدواج مردان مجرد شهر تهران با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای ابعاد گوناگون این موضوع را بررسی کرده است. جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی پژوهش مردان مجرد بالای ۳۰ سال شهر تهران بودند که با نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته با آن‌ها بعد از مصاحبه با ۳۲ نفر به اشباع نظری رسید. بر اساس یافته‌های پژوهش ۲۲ مضمون اصلی از مصاحبه‌ها شامل زمینه‌ها، علل، استراتژی‌ها و پیامدهای تأخیر در سن ازدواج استخراج شد که در نهایت مقوله‌ی هسته و اصلی تعویق ازدواج به منزله‌ی برآیند آشفتگی نهادی مدرن شناسایی شد. برای افزایش روایی و پایایی پژوهش حاضر نیز برای تفسیر و کدگذاری مصاحبه‌ها از نظر استادان و تکنیک مثلث سازی استفاده شده است.

واژگان کلیدی

نظریه‌ی زمینه‌ای، تأخیر سن ازدواج، فردگرایی مدرن، مردان مجرد.

*. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (zohrehmolapanah@yahoo.com)

** . استادیار، جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول) (ehsan5171@gmail.com)

***. استاد، جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (vosooghi_mn@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۷

۱- مقدمه و بیان مسئله

ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان قدیمی ترین نهادهای زندگی بشر از دیرباز مورد توجه متفکرین علوم اجتماعی، علوم اخلاقی، علمای مذهبی و سایر دانشمندان بوده است (Kudos, 2015)، اما در دهه های اخیر به علت پیچیدگی های امور مربوط به ازدواج، دامنه های مسائل مربوط به آن به قلمرو علوم دیگر چون اقتصاد، جمعیت شناسی و سیاست نیز کشیده شده است (کازمی پور، ۱۳۸۸). ازدواج عامل تشکیل خانواده و تکثیر و بقای نسل انسان است (نقیبی و حمیدی، ۱۳۹۴) که در عواملی چون مرگومیر و امید به زندگی بالاتر و... تأثیرگذار است (Van den Berg & Gupta, 2015).

سن ازدواج یکی از شاخصه های مهم برای ارزیابی میزان سلامت و بهداشت جسمی و روانی افراد یک جامعه محسوب می شود (Murayama, 2001)؛ و در کشورهای مختلف برای تغییر سن ازدواج نیز بودجه های متفاوتی در نظر گرفته شده است (Bhatia & Tambe, 2014). در این راستا جوامع انسانی طی دو قرن اخیر، شاهد تغییرات اساسی در سن ازدواج بوده اند و روند شکل گیری خانواده در سراسر جهان طولانی و با تأخیر شده است (Gebel & Heyne, 2016). این معضل مختص کشوری خاص نبوده و بیشتر کشورها به تعویق افتادن تشکیل خانواده را تجربه کرده اند (Lloyd, 2005). این تغییرات نخست در کشورهای فراصنعتی اتفاق افتاد و سپس در قرن بیستم به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد (Van de putte & et al, 2009). ایران همچون سایر کشورهای در حال توسعه در مرحله گذار از سنت به مدرنیته است که تغییرات وسیعی را در همه ی پدیده های اجتماعی از جمله ازدواج سپری کرده است (نقیبی و حمیدی، ۱۳۹۴).

افزایش سن ازدواج باعث افزایش اختلاف سنی بین فرزندان و والدین می شود که یکی از پیامدهای محتمل آن پدیده ی شکاف نسلی است (جنادله و رهنما، ۱۳۹۳). از پیامدهای دیگر آن افزایش اضطراب و فشار عصبی، شیوع افسردگی، اختلافات رفتاری و آسیب پذیری جنسی، تغییر الگوها و هنجارهای ازدواج، افزایش فساد اخلاقی با گرایش به جرائم و اعتیاد (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۴)، از بین رفتن نشاط در جوانان، دل نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، ابتلا به وسواس زیاد در انتخاب همسر، مشکل آفرینی فرزندان بزرگ و ازدواج نکرده در خانه، بلا تکلیفی، از دست رفتن طراوت و زیبایی، ناامیدی و تصمیم به ازدواج نکردن، بی دقتی در انتخاب همسر، مسئولیت پذیر نبودن، گرایش به ارتباطات غیر متعارف دختر و پسر و بدخلقی در زندگی به دلیل ارضاء نشدن نیازهای فرد را به دنبال دارد. پژوهش های مربوط به ازدواج، حاکی از تغییر در ارزش های زناشویی اند و حرکت به سمت ازدواج های فردی سازی شده گسترش یافته است (Cherlin, 2004). در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل

می‌دهند، مطالعه‌ی این امر اهمیت زیادی به‌خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد، زیرا مسائل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ی فرهنگی و اجتماعی ناگواری در سطح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. پژوهش حاضر در نظر دارد به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به تجربه‌ی زیسته‌ی مردان مجرد شهر تهران عوامل اثرگذار در افزایش سن ازدواج و تأخیر در ازدواج کدام‌اند؟ مردان مجرد موردنظر ما پیامدهای این تغییرات را چگونه درک و تفسیر می‌کنند و درنهایت روش آنها برای کنار آمدن با مسئله‌ی مجرد طولانی‌مدت چیست؟

۲- پیشینه‌ی پژوهش

مداحی در پژوهشی برساخت معنای تأخیر سن ازدواج از منظر جوانان مجرد شهر مشهد با روش نظریه‌ی زمینه‌ای را مطالعه کرده است. بر اساس نتایج این پژوهش، تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، ادامه تحصیل مشغولیتی بازدارنده، تجربه‌ی رابطه با دیگری مهم، واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی)، ترس از طلاق، اعتمادناپذیری و متعهد نبودن مردان، محدودیت شغلی و جبر تحصیلی، سرزنش، تحقیر و اعمال فشار بر دختران مجرد، تحکم و نادیده‌گیری نظر دختران از مقوله‌های استخراج‌شده از این پژوهش است (مداحی، ۱۳۸۹). پیری در پژوهش دیگری نشان داد که آزادی جنسی، حمایت نکردن، تجربه‌ی زیسته فرد، بیکاری، ادامه تحصیل، سطح آگاهی جوانان، محاسبه‌گرایی، خودمختاری، همسان‌همسری و تغییر در ارزش‌های ازدواج از مهم‌ترین عوامل تأخیر در سن ازدواج است (پیری، ۱۳۹۷). فعله‌گری در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که سن ازدواج دختران با پذیرش ارزش‌های مدرن افزایش یافته، از طرفی دیگر، جامعه‌ی سنتی ایران این تحولات فرهنگی و ارزشی را برنمی‌تابد و فشارهای اجتماعی را برای آنها به همراه دارد (فعله‌گری، ۱۳۹۶). رفیعی در پژوهش خود نشان می‌دهد، بین تحصیلات و نگرش دختران نسبت به انتخاب همسر و نظر والدین نسبت به همسر آینده‌ی دختر و نگرش آنها نسبت به همسان‌همسری رابطه‌ی معناداری وجود دارد (رفیعی، ۱۳۹۵). بالاخانگی در پژوهش خود نشان داد که میزان فردگرایی در گروه‌های زنان، جوانان و تحصیل کرده بیشتر است. همچنین افراد مذهبی پای‌بندی بیشتری به ارزش‌های خانواده دارند و علاوه بر این، بین استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی با فردگرایی رابطه‌ی معناداری وجود دارد (بالاخانی، ۱۳۹۵).

وانگ و همکاران در پژوهش خود نشان دادند، بین درآمد زنان و تأخیر سن ازدواج و بالعکس رابطه‌ی دوطرفه و معنادار وجود دارد (Wang & et al, 2018). کلودیا گيست نیز در مطالعات

خود روی نمونه‌هایی آمریکایی و اروپایی به این نتیجه رسیده است که سن ازدواج در کشورهای اروپایی و آمریکا در حال افزایش است و عوامل اقتصادی و برابری جنسیتی باعث تغییر در سن ازدواج می‌شود (Claudia Geist, 2017). جبل و هین در مطالعه‌ای که در کشور اردن انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که رشته‌ی تحصیلی و تحصیلات در مقاطع بالاتر تا حدودی افزایش سن ازدواج در میان زنان را توجیه می‌کند، اما این مسئله در مورد مردان صدق نمی‌کند (Gebel & Heyne, 2016). نتیجه‌ی پژوهش کلانی کرامت حاکی از این بود که برتری نگرش منفی نسبت به ازدواج و نگرش مثبت نسبت به روابط قبل از ازدواج و مسائل نابرابری باعث استرس مثبت به این موضوع و افزایش سن ازدواج می‌شود (Kelani Karamat, 2016). وانگ و داگلاس اگرچه مجرد دختران را یک سبک زندگی در کشورهای غربی می‌دانند، اما به این نتیجه رسیدند که در جامعه‌ی معاصر چین زنان مجرد بالای ۳۰ سال هنوز به‌مثابه یک استثنا دیده می‌شوند و ارزش‌های اجتماعی خانواده سنتی چین به این زنان برای ازدواج و داشتن فرزند فشار می‌آورد (Wang & Douglas, 2013). شارپ و گونانگ بر این باورند که برخلاف رشد تعداد مجردان، آرمان ازدواج و فرزندآوری همچنان مستحکم، فراگیر و تا حدودی زیادی بلامنازع باقی‌مانده است (Sharp & Ganong, 2011).

۱۶۴

با مروری بر پژوهش‌های انجام شده در داخل کشور می‌توان گفت، این پژوهش‌ها عمدتاً مواردی را برجسته کرده‌اند که وجه عینی آنها مهم است. فارغ از ارزش‌گذاری‌های غرض‌ورزانه، هرچند مطالعات انجام شده در شفافیت موضوع موردبررسی مؤثر بوده‌اند، عمق مسئله را کمتر واکاوی کرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، برخی از یافته‌های این پژوهش‌ها توان گسیختگی از کلیت خود را نداشته و توفیق‌چندانی در ارائه‌ی یک راهبرد تأمل برانگیز نداشته‌اند. همچنین مسئله‌ی تأخیر ازدواج دختران را نیز بررسی کرده‌اند و همین موارد را نیز می‌توان در پژوهش‌های خارجی ملاحظه کرد. در پژوهش حاضر، محققین درصدد پوشش خلأهای موجود و ارائه یک الگوی مفهومی از زندگی مردانی است که سن ازدواج آنها بالا رفته و ازدواج آنها به تأخیر افتاده است.

۳- چهارچوب مفهومی

با توجه به کیفی بودن ماهیت پژوهش، از میان نظریات ارائه‌شده نظریه‌های مدرنیزاسیون گود، تغییرات فرهنگی اینگلهارت، فردی‌سازی بک، گذار جمعیتی دوم و رابطه‌ی ناب‌گیدنز چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر در راستای حساسیت نظری پژوهش را تبیین کرده است. مطابق تئوری‌های مطرح‌شده، جریان نوسازی و مدرن‌شدن جامعه دگرگونی‌های اساسی در سطح کلان و در سطح

فردی به دنبال داشته است. همچنین در پی تأثیر جریان‌ات نوسازی و نیز گذار جمعیتی، در نگرش‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های افراد دگرگونی ایجاد شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر نگرش به خانواده، ازدواج و سن ازدواج، افزایش تحصیلات و دگرگونی در مشاغل به واسطه نظام صنعتی مدرن است. گسترش تغییراتی چون نوسازی، صنعتی شدن و تأییدپذیری جوامع از فرهنگ‌های متفاوت در پی جهانی شدن الگوهای نظام خانواده را همانند سایر نهادها دچار تغییرات عمده نموده است.

گود در این باره معتقد است، تغییرات ملموس اعمال شده در نظام خانواده در نقطه‌ی مشترکی باهم تلاقی می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آنها افزایش سن ازدواج است. از منظر گود، سن ازدواج به دلیل عواملی نظیر افزایش سطح تحصیلات، اشتغال و میزان شهرنشینی افزایش یافته و در نتیجه عمومیت و میزان ازدواج در مناطق شهری کاهش روزافزون یافته است (شهرزی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، گیدنز معتقد است، تغییر نهادهای اجتماعی مدرن - که به گسترش آزادی و افزایش روابط منجر می‌گردد - هویت شخصی افراد را مورد بازاندیشی و تجدیدنظرهای مداوم قرار می‌دهد و آن را «بازتابی هویت» می‌نامد. به عقیده‌ی گیدنز، این امر به شکسته شدن ساختار سنتی خانواده و محدودیت‌های آن منجر شده است. در دنیای امروز که افراد سعی می‌کنند با تلاش و فعالانه خود و هویت خویش را بسازند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۰)؛ می‌توان گفت تشکیل زندگی مستقل برای جوانان تا حدود زیادی می‌تواند نتیجه‌ی شکل‌گیری رابطه‌ی ناب در خانواده و بازتابی هویت از سوی خود افراد باشد که آنها را به سمت انتخاب شیوه‌ی زندگی مدنظر خود، هرچند به اجبار، رهنمون می‌سازد. از طرفی، گسترش بی‌اعتمادی و دورویی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه، به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (عباسی، ۱۳۹۵: ۲۹). در واقع گیدنز، رابطه‌ی ناب که زاییده‌ی دوران مدرن است را بسیار بهتر از ارتباط رمانتیک گذشته می‌داند، اما باومن نظری مخالف گیدنز دارد، باومن با اینکه ارتباط عصر مدرن را متناسب با اقتضائات مصرفی مدرن می‌داند، ولی آن را ناامیدکننده توصیف می‌کند و آن را نه یک «ارتباط» بلکه «پیوند» می‌نامد. پیوندهایی که به همان اندازه که آسان برقرار می‌شوند، به آسانی نیز با یک گزینه‌ی «حذف» تعبیه شده در سیستم‌های نوین ارتباطی، از میان می‌روند. این سرعت و قابلیت در گسستن پیوندها به جای آرامش که هدف اصلی و ذاتی ارتباط به‌ویژه ارتباط عاشقانه است، خود به نگرانی‌ها و مشکلات نوین دیگری می‌انجامد. باومن با اشاره‌ی ضمنی به نظر گیدنز می‌گوید: «این روابط هر چیزی غیر از «ناب» هستند» (باومن، ۱۳۸۷: ۶۸)؛ بنابراین شاید این بی‌اعتمادی و گسست یا سیالیت در روابط نوعی ترس در ازدواج در جوانان ایجاد می‌کند که به تعویق سن ازدواج منجر می‌شود.

از طرفی بنا به نظر اینگلهارت، ایجاد شکاف بین والدین و فرزندان می‌تواند ناشی از تغییرات ایجادشده بین ارزش‌های جوانان نسبت به والدین باشد. اینگلهارت معتقد است، جوانان امروز به ارزش‌های فرامادی بیشتر از ارزش‌های مادی توجه می‌کنند و برای کسب و حفظ آن تلاش زیادی می‌کنند. حفظ استقلال و وابسته نبودن به دیگران از جمله ارزش‌هایی است که جوانان امروز برای به دست آوردن آن بسیار تلاش می‌کنند. به نظر او، مدرنیزاسیون فقط شامل متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه شامل انتقال اجزای فرهنگی، دینی، نگرش‌ها، عقاید و رفتار نیز می‌شود که موجب پیدایش ارزش‌های پست‌مدرن مانند علائق زیبایی‌شناختی و خریدمندی، جامعه‌ی بیشتر آموزش‌دیده و غیرشخصی است (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۴۰۱). به عقیده‌ی اینگلهارت، تحول فرهنگی بسیار وسیعی در فرهنگ معاصر رخ داده است. همچنین وی ابراز می‌کند که خیزش سطوح توسعه‌ی اقتصادی، سطوح بالاتر آموزش و اشاعه‌ی رسانه‌های جمعی مهم‌ترین ارزش‌ها را تغییر می‌دهد، به خصوص در مواردی که افزایش سن ازدواج مطرح است (اینگلهارت، ۱۳۷۳).

از سویی، نظریه «فردی سازی» بک جوانب ساختاری مؤثر در فردیت را مدنظر داشته است: از یک‌سو، فردی سازی به روابط، پیوندها و نظام‌های اعتقادی سنتی اجتماع معطوف است و همیشه در تمام جزئیات زندگی افراد جامعه تعیین‌کننده بوده است. چنین مفهومی روزبه‌روز معنای خود را از دست داده است. چهارچوب و اصول زندگی افراد از واحد خانواده و جامعه‌ی روستایی گرفته تا ناحیه، مذهب، طبقه و نقش جنسیتی همه و همه مغشوش شده است. اکنون چشم‌اندازی نو با گزینه‌های تازه پیش چشم فرد گشوده شده است. امروز، زن و مرد این امکان را یافته‌اند تا برای شکل دادن به زندگی خویش خودشان تصمیمی گرفته و دست‌کم محدوده‌ای معین برای خودشان ایجاد کنند (بک، ۱۳۸۸: ۱۵). از سوی دیگر، فردی‌سازی به معنای آن است که افراد جامعه از طریق نهادها، بازار کار، دولت رفاه، نظام آموزشی، نظام حقوقی، بوروکراسی حکومتی، دولتی و نظایر آن به هم مرتبط می‌شوند. ظهور و پیدایش این امر نیز به تبع مدرنیته است. این نهادها اصول و مقررات گوناگون، خواسته‌ها، دستورالعمل‌ها و حقوقی را به فرد واگذار می‌کنند که بیشتر ناظر به فرد است تا خانواده در شکل کلی آن. این اصول و مقررات تا بدان جا برای فرد تعیین تکلیف می‌کنند که پیوندها را می‌گسلند و سبب می‌شوند تا فرد بدون مراجعه به آنها به کنش اجتماعی بپردازد (همان: ۱۶)؛^۱ پیشرفت روزافزون مدرنیته مستلزم منشی فعالانه و خودمحرانانه در زندگی

۱. پارسونز این پدیده ساختاری را «فردگرایی نهادینه‌شده» می‌نامد که راهنما و شکل‌دهنده زندگی فرد در جوامع مدرن غربی است.

است که به طرز ماهرانه‌ای مواهب و امکانات نهادینه را گسترش دهد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۲ و ۸۳). سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (نظیر توسعه‌ی شخصی و خودشکوفایی)، تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزو جنبه‌های مختلف تحول در ارزش‌ها هستند که به‌نوبه خود باعث شده‌اند تا فرد طبق اراده‌ی آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد؛ بنابراین کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی را می‌توان نمود نگرش غیرهمنوا و اعتراض علیه منابع اقتدار و همچنین شیوه‌ای برای آشکارسازی آزادی فردی در مقابل قراردادهای و عرف دانست؛ بنابراین پیش‌قروالان این رفتار جدید، عموماً افراد تحصیل‌کرده‌تر، سکولارتر و خودمختارتر و در نتیجه کسانی هستند که برای روابط عاطفی‌شان، خواستار فراهم بودن حداقل شرایط لازم زندگی هستند. از طرفی، هرچه محدودیت کمتری برای نسل‌های جوان‌تر وجود داشته باشد، آنها نسبت به پذیرش رفتارهایی که به قبول تعهد و مسئولیت ختم می‌شود، بی‌خیال‌تر می‌شوند. از این‌رو، آنها گرایش دارند از آن دسته انتخاب‌هایی که امکان بازگشت در مورد آنها وجود ندارد و یا خیلی الزام‌آورند، اجتناب کنند (Rosina & Fraboni, 2004: 5-6).

۴- روش پژوهش

این پژوهش کیفی با استفاده از روش نظریه‌ی زمینه‌ای و ابزار مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته انجام شده است. تحلیل مصاحبه‌ها با اتخاذ روش تحلیل تفسیری اشتراوس و کوربین و فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در کدگذاری باز نیز نسخه‌پردازی‌های مربوط به مصاحبه‌ها خط به خط بررسی شد و براساس برداشت‌های محقق هر خط در قالب یک مفهوم مرتبط کدگذاری شد. در مرحله‌ی بعد، مفاهیمی که ایده‌ی مشترک داشتند، در سطحی با انتزاع بالاتر دسته‌بندی شدند و مقولات را تشکیل دادند. درنهایت، مقولات در الگوی داده‌بنیاد صورت‌بندی شدند. برای انتخاب افراد مصاحبه‌شونده و نمونه‌گیری نظری در مورد حجم نمونه از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری، نمونه‌گیری است بر مبنای مفاهیمی که ارتباط نظری آنها با نظریه‌ی در حال تکوین تأییدشده است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۵). در این تحقیق، برای یافتن موارد مطالعه در شهر تهران ناگزیر از روش گلوله برفی بهره برده شد. نمونه‌های انتخابی مردان مجرد بالای ۳۰ سال بودند که باوجود داشتن حداقل شرایط مالی هنوز ازدواج نکرده بودند و درنهایت بعد از انجام ۳۲ مصاحبه یافته‌ها به اشباع نظری رسید. برای سنجش اعتبار و پایایی این پژوهش از روش مثلث‌سازی و توافق بین کدگذاری با استفاده از کدگذاری که جزء گروه پژوهش

نبودند استفاده شد. مشخصات پاسخ‌گویان در جدول شماره‌ی (۱) آورده شده است.

جدول ۱. مشخصات پاسخ‌گویان

ردیف	تحصیلات	سن	وضعیت اشتغال	درآمد ماهیانه (میلیون)
۱	دیپلم	۳۱	فروشنده	۱/۵
۲	فوق‌دیپلم	۳۵	مدیرعامل	۴۰-۳۰
۳	کارشناسی ارشد	۳۶	کارگردان	۵-۶
۴	کارشناسی ارشد	۳۸	مدیر مدرسه	۳
۵	کارشناسی	۴۰	آزاد	۵-۲۰
۶	کارشناسی	۳۰	برنامه‌نویس	متغیر
۷	دانشجوی کارشناسی	۳۰	مدیرعامل	۱۵-۱۶
۸	کارشناسی	۳۱	برنامه‌نویس	۵-۱۶
۹	کارشناسی ارشد	۳۷	کارمند	۸
۱۰	کارشناسی	۳۴	تبلیغات	۳
۱۱	دیپلم	۴۲	نویسنده	متغیر
۱۲	کارشناسی	۳۷	نقشه‌کش	۵
۱۳	دیپلم	۳۸	ساختمان	۳
۱۴	کارشناسی	۴۳	مترجم	۱۰
۱۵	دانشجوی دکترای	۳۵	دبیر	۳
۱۶	کارشناسی	۴۰	نقشه‌کش	۲/۵
۱۷	دیپلم	۳۹	آزاد	متغیر
۱۸	دیپلم	۳۵	آزاد	متغیر
۱۹	کارشناسی ارشد	۴۵	مدیریت	۱۰
۲۰	کارشناسی	۳۰	معلم	۳
۲۱	دکتری	۳۱	داروخانه	۵-۶

ردیف	تحصیلات	سن	وضعیت اشتغال	درآمد ماهیانه (میلیون)
۲۲	دکتری	۳۱	معلم	۱۰
۲۳	کارشناسی ارشد	۳۰	مدیر	۲۰-۳۰
۲۴	کارشناسی	۵۴	حسابدار	۵
۲۵	کارشناسی ارشد	۴۰	کارگردان	۳-۴
۲۶	کارشناسی ارشد	۳۰	ساختمان	۱۰
۲۷	کارشناسی	۳۸	هنرمند	۵
۲۸	کارشناسی ارشد	۳۳	آزاد	۵-۷
۲۹	کارشناسی	۳۵	کارمند	۳
۳۰	کارشناسی	۳۳	سینما	۱۴
۳۱	کارشناسی	۳۰	کنترل کیفیت	۳
۳۲	کارشناسی	۳۰	معلم	۲-۴

۵- یافته‌های پژوهش

بعد از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های به دست آمده از پژوهش، مفاهیم و مقوله‌ها در قالب چند مقوله تحلیلی تر و انتزاعی تر بر اساس سه وجه شرايطی، تعاملی و پیامدی بازسازی شد که در ادامه به تفصیل آمده است.

۱-۵- شرایط علی

بر اساس یافته‌های پژوهش، تغییر نگاه ارزشی به ازدواج، محدودیت‌های اقتصادی، مشروعیت بخشی اجتماعی به مجرد، هراس ناشی از تجربه ناموفق دیگران در ازدواج و فرعی شدن ازدواج به عنوان هدف مقوله‌های استخراج شده در خصوص شرایط علی است که در ادامه آمده است.

۱-۱-۵- تغییر نگاه ارزشی به ازدواج

بیشتر مردانی که ازدواج آنها به تعویق افتاده است، سنت‌های رایج ازدواج ذیل یک تکلیف (اجتماعی، خانوادگی یا شرعی) را به چالش می‌کشند، به گونه‌ای که کنش‌های عینی و ذهنی معطوف به ازدواج را بدون کارکرد تعبیر می‌کنند. چنین نگرش‌هایی اغلب در تقابل با ارزش‌های رایج ازدواج قرار می‌گیرد و اقدام به ازدواج در این وضعیت پاسخ مثبتی را از جانب آنها دریافت

نمی‌کند. کامیاب، ۴۰ ساله در این باره می‌گوید:

پدر من تو سن بیست و یک سالگی زن گرفت چکار کرد؟! یا پدر بزرگ‌ها و عمویم و دایی‌ام؟! من بهشون بی‌احترامی نمی‌کنم ولی من نمی‌تونم مثل اونا باشم، الان کل دنیا همینه...دیگه ازدواج مثل قبل نیست که حتما آدم ملزم به ازدواج باشه... الان همه چی عوض شده... .

۵-۱-۲- مشروعیت اجتماعی مجرد

آن‌گونه که از مضمون پاسخ تعداد چشمگیری از مشارکت‌کنندگان برمی‌آید، هنگامی که مردان مجرد، خود را در مقابل برخی از فشارهای اجتماعی برای اقدام به ازدواج نبینند و «مجرد بودن» و «مجرد ماندن» برای آنها مسئله‌ی به‌خصوصی ایجاد نکند، قائل به نوعی از مشروعیت اجتماعی برای وضعیت خود می‌شوند و ماهیت چنین مشروعیتی را با ارجاع دادن به افرادی که وضعیت مشابهی با آنها دارند، توجیه می‌کنند. بر این اساس، مردان مجرد اقدام نکردن به ازدواج خود را یک امر مشروع اجتماعی می‌پندارند. برای نمونه رسول ۳۴ ساله در این باره می‌گوید:

فکرم اینه در واقع فعلاً نیازی ندارم به ازدواج کردن، هزاران نفر و بلکه بیشتر مثل من هستن و تازه سنشون از منم خیلی بیشتره و فعلاً قصد ازدواجم ندارن ... کسیم کارشون نداره... .

نظر طاهر ۳۷ ساله نیز چنین نقل شده است:

منم مثل همه‌ی اونایی که تا الان ازدواج نکردن، دلیل خودمو دارم ... قبلنا می‌گفتن فلانی موفق به ازدواج شد، ولی الان اگه زن هم نگیری به هر دلیل دیگه نمیگن، فلانی موفق نشده ازدواج کنه

۵-۱-۳- هراس ناشی از تجربه‌ی ناموفق دیگران در ازدواج

هراس ناشی از تجارب ناموفق زندگی زناشویی دیگران برای برخی از افراد مجرد در صورت‌بندی دلایلی که ازدواج آنها را منع کرده است، تأثیری معنادار داشته است. غالب این افراد، کسانی هستند که در شعاع تجربه‌ی خود شاهد مواردی بوده‌اند که ازدواج نکردن را برای آنها به‌عنوان یک امر مطلوب تبدیل کرده است. آنها زندگی زناشویی در زمان حاضر را یک امر پرخطر می‌پندارند و ازدواج را به‌مثابه فروپاشی زندگی عادی خود تلقی می‌کنند. محمد ۴۳ ساله در این باره می‌گوید:

مردم این دور و زومنه خیلی راحت خیانت می‌کنن، مجرد و متأهل بودنم نداره، الان خیلی تو دور و اطرافم کسانی رو می‌بینم که بعد ازدواج مشکل دارن ... دارن جدا میشن... یا به زور دارن همدیگه رو تحمل می‌کنن ... اینا خیلی زیاد شده و می‌ترسم واقعاً از ادواج... .

۵-۱-۴- فرعی شدن ازدواج به‌عنوان هدف

تعویق ازدواج در میان برخی از افراد مجرد به دلیل دست نیافتن به سایر اهدافی که در زندگی دارند تعریف شده است، به‌نحوی که آنها ازدواج کردن را به‌عنوان یک هدف فرعی در زندگی می‌پندارند. برخی از این افراد ازدواج را یک امر شخصی تعریف می‌کنند. با این وصف، گرایش به ازدواج در یک محدوده‌ی سنی خاص برای آنها، ارزش عملکردی خود را از دست می‌دهد و تصمیم به ازدواج تابع تحقق یک یا چند هدف دیگر می‌شود. پژمان، ۳۳ ساله در این باره می‌گوید:

با اینکه می‌دونم هرچه زودتر ازدواج کنم بهتره، ولی اگه امروز ازدواج کنم مطمئنم فردا نمی‌تونم تو زمینه‌های دیگر به چیزایی که میخام مثل الان برسم و موفق بشم، برای ازدواج فرصت زیاده ولی برای خیلی از کارای دیگه اینجوری نیست.

مهدی ۳۵ ساله نیز در این باره می‌گوید:

یه سری برنامه دارم تا انجام ندم کامل، اصلاً وقتم رو برای فکر کردن به ازدواج صرف نمی‌کنم.

۵-۲- شرایط مداخله‌گر

از مقوله‌های استخراج شده در کنار شرایط علی شرایطی است که در به‌تأخیرافتادن ازدواج پسران تأثیری مداخله‌گرانه داشتند و عبارت از شکاف ارزشی با والدین، ایدئالیسم خودمحور و نیازهای بی‌پاسخ، ترجیح عقلانیت بر عاطفه، گریز از زندگی یکنواخت، دشوار شدن یافتن افراد معتمد در جامعه و مرجع قرار گرفتن رسانه‌های غیربومی بوده است که در ادامه بررسی خواهد شد.

۵-۲-۱- شکاف ارزشی با والدین

جوانان مجردی که ازدواج آنها در حال حاضر به تأخیر افتاده است، به طرز تلقی والدین خود، ذیل یک ارزش (مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و...) به ازدواج و زناشویی از نگاه آنها اعتقاد معناداری ندارند. گفتنی است که این بی‌اعتقادی تنها به ازدواج محدود نیست و در مواردی دیگر نیز پای‌بندی ذهنی و عینی زیادی به بسیاری از ارزش‌های مقبول پدران و مادران خود در میان آنها مشاهده نمی‌شود. این شکاف‌های ارزشی جنبه‌هایی از زندگی افراد را تحت پوشش قرار داده است که به معوق ماندن ازدواج منتج شده است. این افراد مجرد، کلیت ارزش‌های خانواده‌ی خود را نمی‌پذیرند و آن ارزش‌ها را در تضاد با باورها و عقاید خود می‌انگارند. سالار ۳۱ ساله در این باره می‌گوید:

تقریباً ده سالی میشه که دارم جدا زندگی می‌کنم. من مسیری که انتخاب کردم برای زندگی از اون روتین‌ها و باورهای خانوادم خیلی فاصله داشت به خاطر این همدیگه رو درک نمی‌کردیم بعد ترجیح دادم جدا بشم من چون طرز فکرم با خانوادم یکی نبود سعی کردم از ۱۷ یا ۱۸ سالگی مستقل بشم.

۵-۲-۲- ترجیح عقلانیت بر عاطفه

فروکاستن یک رابطه‌ی احساسی به یک امر عقلانی یکی از خصلت‌های مهم مجردین بوده است. با این وصف این افراد قبل از آنکه یک ارتباط را از نظر عاطفی پیگیری نمایند و مسائل احساسی را در آن دخیل کنند، آن را با ابزارهای اقتصادی می‌سنجند. هزینه‌ای که این افراد صرف یک امر احساسی می‌کنند و بر بسیاری از جوانب دیگر کمتر توجه می‌کنند، برای آنها مهم تلقی می‌شود. سیروس، ۴۱ ساله در این باره می‌گوید:

من همه چیو باید بسنجم، الان جامعه اینجوریه، تو زندگی هیچ‌کس هیچ‌چیز مفت به من نداده ...

۵-۲-۳- دشواری یافتن افراد معتمد در جامعه

مضمون اصلی نظر برخی از افراد مجرد بر این بوده که شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه‌ی کنونی به ندرت سلامت یک ارتباط پایدار سالم را ضمانت می‌کنند، در نتیجه یافتن کسی که قرار است همسر دائمی فرد باشد با دشواری‌های زیادی مواجه است و گرایش آنها به ازدواج را نیز با احتیاط بیشتری در اخذ تصمیم نهایی همراه کرده است. بر این اساس، دلایل محکم و قانع‌کننده‌ای نیاز است تا این افراد مجرد را به پذیرش یک ارتباط مادام‌العمر به نام ازدواج مجاب کند. بسیاری از افرادی که ازدواج آنها با تأخیر مواجه شده است، بیش از سایرین درگیر حساسیت‌هایی برای اتخاذ تصمیم نهایی برای ازدواج هستند و علت عمده آن را فقدان یافتن فردی مورد اعتماد می‌دانند. سینا ۳۳ ساله در این باره می‌گوید:

واقعاً پیدا کردن کسی که بتونی بهش اعتماد داشته باشی خیلی سخته نه فقط تو دخترا تو پسر هم به همین شکله....

۵-۲-۴- مرجع قرار گرفتن رسانه‌های غیر بومی

رسانه‌های مختلف در ترسیم خطوط فکری تعدادی از افرادی که ازدواج آنها به تعویق افتاده است، تأثیر معناداری داشته‌اند. تأثیر این مبادی انتقال اطلاعات در جزئیات تصمیم‌ها و بسیاری

از رفتارهای این افراد عینیت زیادی پیدا کرده است و خود این افراد نیز چنین تأییراتی را به خوبی درک می‌کنند. ارزش‌گذاری و قضاوت بر سر بسیاری از مسائل حساس و نیل به اهداف افراد به واسطه‌ی این رسانه‌ها (که عمدتاً غیربومی بوده‌اند) ممکن شده است و می‌توان یکی از نتایج آن را معوق ماندن ازدواج این افراد دانست. محمدرضا ۳۵ ساله در این باره می‌گوید:

ماهوره و اینترنت و این شبکه‌های اجتماعی اونجوری که تلویزیون کشور ما بهش بدبین اینجوری نیست، خیلی از تصمیمای من بدون استفاده از بعضی کانال‌ها ممکن نبود نتیجه بده ...

۳-۵- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای تعویق ازدواج به منزله‌ی برآیند آشفتگی نهادی مدرن را می‌توان در نسبتی که میان نهاد خانواده با سایر نهادهای جامعه وجود دارد، پیگیری کرد که در ادامه تشریح خواهند شد.

۱-۳-۵ - مغایرت ازدواج با آرمان‌های فردی

با وجود فراهم بودن مقدمات اولیه‌ی ازدواج برای بسیاری از مردان مجرد، شرایطی که در آن قرار گرفته‌اند را در تضاد با آرمان‌ها و ایده‌آل‌های مقبول خود برای زندگی زناشویی در نظر می‌گیرند. به اعتقاد بسیاری از مشارکت‌کنندگان، ازدواج کردن تنها به توانایی اولیه‌ی افراد محدود نیست و مشروط به آینده‌نگری‌هایی نیز هست که نه تنها از نظر اقتصادی، بلکه با شرایط مناسب روانی، اجتماعی، فرهنگی و... افراد لزوماً همراه است. برای نمونه هادی ۳۰ ساله چنین بیان می‌کند:

... بدبین نیستم ولی فشار روانی - اجتماعی زیادی رو باید تحمل کنه... هیشکیم از گشنگی نیمیمیره ولی قرار نیست کله‌ی سحر تا غروب آفتاب دنبال دو زار باشی و به زور گیت بیاد ...

۲-۳-۵ - تعارض با فرهنگ عمومی ازدواج

منطبق نبودن خواسته‌های برخی از مردان مجرد با انتظارات جامعه ذیل یک هنجار فرهنگی از زندگی مشترک، در تدارک بستری که در آن راهبردها برجسته می‌شوند، پیوندی ناگسستنی دارند. تعارض‌های فرهنگی در این ارتباط زمانی برجسته می‌شوند که مردانی که زندگی زناشویی را با تهدید آزادی‌های فردی خود مساوی می‌پندارند، آن را به هنجارها و باورداشت‌های فرهنگی موجود نسبت می‌دهند و در مقابل آن رویکردی انتقادانه دارند. این ارتباط را می‌توان در نظر محمدحسین ۳۰ ساله به صورت زیر دریافت:

... می‌گه که تمامی مسؤلیت‌ها باید به دوش مرد باشه و من با این مخالفم. تو باید هم‌هی رویاهات و خواسته‌هات رو بذاری کنار ... این چیزیه که به نظر من تو جامعه‌ی ایرانی خیلی اغراق شده و غلو شده بهش پرداختن و بهش پروبال دادن. مرد باید تمام بار زندگی رو به دوش بکشه...

۵-۳-۳ - سنت‌های مرسوم ازدواج

سنت‌ها و عرف‌های سازمان‌دهنده‌ی زندگی زناشویی از مقدمه‌ی اقدام به ازدواج تا تجربه‌ی زندگی مشترک برای مشارکت‌کنندگان نقشی بازدارنده داشته‌اند و به‌عبارتی دیگر، توان کارکردی خود را برای آنها از دست داده‌اند. از نظر این افراد محتوای اصلی این سنت‌ها در عمل با تحدید آزادی‌های فردی و اجتماعی همراه است که منافات زیادی با زندگی در دنیای مدرن دارد؛ بنابراین ازدواج کردن از نظر آنها زمانی پذیرفته است که ذیل سنت‌های کنونی و رایج تعریف نشود و مطابق قواعدی باشد که این افراد آن را مطلوب می‌پندارند. نظر مشارکت‌کننده‌ی ۳۱ ساله در این خصوص چنین است:

مهریه و شیربها و بله‌برون و غیره واقعاً هیچ فایده‌ای ندارند ... بدبختانه ما فکر می‌کنیم مهریه و جهیزیه زیاد نشونه‌ی خوشبختیه، غافل از اینکه هیچ ربطی نداره، من به اینا مطلقاً اعتقاد ندارم چون دو نفر بخوان با هم زندگی کنن، بدون اینا هم میتونن خوشبخت شن...

۵-۳-۴ - تجربه‌ی طولانی‌مدت تجرد و تعاملات متنوع

تجربه‌ی تعامل مردان مجردی که از زمان ازدواج آنها از نظر عرفی مدت زمان زیادی سپری شده است، به‌واسطه‌ی وجود بسترهای ارتباطی متنوع افزایش زیادی پیدا می‌کند. این افزایش تجارب سبب بازاندیشی در اندیشه‌ها و تصمیماتی شده است که بر اساس اظهارات آنها، بیشتر از قبل با همه‌جانبه‌نگری و لحاظ کردن احتیاط همراه است. تعاملات متنوع این افراد بسیاری از حوزه‌های زندگی آنها را در بر گرفته و زمینه‌ای را فراهم کرده است که امتناع از ازدواج یکی از موارد متأثر از آن است. موسی ۴۲ ساله در این باره می‌گوید:

از وقت ازدواجم خیلی وقته می‌گذره ولی خب شاید تجربه‌م خیلی بیشتره نسبت به کسی که همسن منه و ده- پونزده سال پیش زن گرفته، شاید کسایی مثل من عمیق‌تر در مورد هر چیزی فکر می‌کنن و روابط جورواجور زیادی رو هم تجربه کردن، من کاری به اونایی که همسرشون مرده یا طلاق گرفته ندارم ولی کسی که هرگز ازدواج نکرده منطقتش قوی‌تره برای هر کاری، ممکنه بعضیام اسمشو بذارن و سواس.

۵-۳-۵- خلاً منابع مالی و نیازهای موجود

با توجه به داده‌های پژوهش، فقدان کفایت منابع مالی در دسترس از یک‌سو و تنوع نیازهای حاصل از چشم‌داشت‌های فردی و اجتماعی مربوط به فرهنگ و عُرف زندگی مشترک در جامعه از سوی دیگر، یکی از زمینه‌های اجتناب از ازدواج تعداد بسیاری از مردان مجرد را فراهم کرده است؛ بنابراین اگر تشکیل زندگی زناشویی در چنین شرایطی یک هدف در نظر گرفته شود، این نتیجه حاصل خواهد شد که به‌وسیله‌ی منابع در اختیار افراد مجرد ازدواج مقدور نیست. مرتضی، ۳۷ ساله در این باره می‌گوید:

...خیال‌م راحت نیست، درسته که بزرگان دینی همه رو تشویق به ازدواج می‌کنند و یه چیز خوبیه ولی قبول دارید که وقتی درآمدت کم باشه و همش هشتت گیر نهت باشه مطلقاً فکر ازدواج به سرت نمی‌زنه....

۵-۴-۴- راهبردها

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، در پی به تأخیر افتادن ازدواج راهبردهایی را برای گذران این شرایط اتخاذ و به کار می‌برند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۵-۴-۱- گرایش به روابط خارج از عرف

گرایش به روابط خارج از عرف در حال تبدیل شدن به یک مد اجتماعی فراگیر است و بسیاری از افرادی که از نظر شرعی و قانونی به یک روابط زناشویی مرسوم متعهد نیستند، بیش از دیگران درگیر آن هستند. این مسئله با بسترهایی که گزینه‌های فکری- عملی متفاوتی را ارائه می‌دهند و فرایندهای انجام چنین اعمالی را تسهیل می‌کنند، همسو است و ازدواج افرادی که در معرض آن هستند را با تعویق بیشتری مواجه می‌کنند. امتناع از ازدواج تا حدود زیادی مشروعیت عملکردی و هستی واقعی خود را از چنین بسترهایی اقتباس می‌کند. فریبرز ۳۴ ساله در این باره می‌گوید:

می‌بینم که افراد مجرد از آدمای متأهل بیشتر رابطه دارند و فکر نمی‌کنن دارن کار بسیار بدی انجام میدن... آدم وقتی تو ی شرایطی هست خیلی ارزیابی دقیق ازش نداره... من فکر کنم وقتی آدم ۴۰ رو رد کنه تازه به این نتیجه برسه که کاش خانواده داشت، زن و بچه داشت... یعنی وقتی شور جوونی میره و کله می‌خوره به سقف....

۵-۴-۲- گرایش به هویت‌یابی کاذب

برخی از افرادی که از زمان ازدواج آنها مدت زیادی سپری شده است، برای حفظ بقای خود در فضاهای اجتماعی و تداوم ارتباطات مختلف خود، گاهی مجبورند تصویر متفاوتی از آنچه هستند،

نشان دهند. این هویت‌های غیرواقعی با توجه به ضرورت‌هایی که در هر تعامل وجود دارد، تغییر پیدا می‌کند و شیوع آنها در شبکه‌های مجازی فراوان است. در بسیاری از مواقع این افراد، بعد از تأمین نیاز خود از رابطه خارج می‌شوند. این تصویر انتخابی، اختلالات زیادی را در جریان تعاملات اجتماعی این افراد و به‌خصوص افرادی که موضوع این رابطه قرار می‌گیرند، به‌وجود می‌آورد. هر اندازه تعاملات از فضای مجازی به سمت فضای واقعی گسترش پیدا کند، برای یکی از دو طرف رابطه تبعات ناخوشایندتری خواهد داشت. به‌هر حال، آنچه در این مبحث بدان توجه می‌شود، تعویق ازدواج به‌عنوان برآیند نهادهای ناهمسو و شکل‌گیری هویت‌های کاذب بوده است. کورش ۳۸ ساله در این باره می‌گوید:

موقعیت و شخصیت بعضی‌ها شخصیت و موقعیت مورد نظر به خانم خیلی فاصله دارد، خُب خیلی وقتاً یارو خودشو اون جور می‌کند که طرف می‌خواهد معرفی می‌کنه، مثلاً تحصیلات و درآمد و شغل و ایناشو واقعی نمی‌گه تا طرفو راضی کنه که باهاش باشه

۵-۴-۳- کمال‌گرایی معطوف به خود

یکی از راهبردهای مهم نهفته در تجربه‌ی زیسته‌ی مردان مجردی که ازدواج آنها با تأخیر مواجه است، نوعی کمال‌گرایی است که بر اساس آن به‌ندرت می‌توان جایگاه مشخصی را برای برخی از ارزش‌های رایج اجتماعی موجود در فرهنگ عامه جست‌وجو کرد و کار بست چنین سبکی از اندیشه و عینیت‌بخشی به آن - به‌عنوان یک رفتار اجتماعی نزد این افراد بنا بر تجربه‌ای که از زندگی مجردی دارند - توجیه پذیر است. علیرضا ۳۹ ساله در این باره می‌گوید:

مَثَلی هست که میگه به کم قانع نشو تا زیادش یا خوبش دستت بیاد، نمیدونم به همچنین چیزی، خُب من برای خودم بهترین رو بر اساس تشخیص دادن خودم می‌خوام، گیرم همه از من متنفر باشن یا برعکس، بعدِ گُلّی سال به این رسیدم که بهترین رو واسه خودت بخواه و فردین بازی مازی هم چرته....

۵-۴-۴- لذت‌گرایی مغرط

زندگی کردن در لحظه و نداشتن برنامه‌ریزی برای آینده مضمون تفکر بسیاری از افرادی است که ازدواج آنها با تعویق مواجه شده است. این افراد اغلب بخش مهمی از منابع و نیروهای خود را در موضوعاتی به کار می‌گیرند که بتوانند بیشترین لذت را تجربه کنند. عمده‌ی کوشش این افراد گریز از روابطی است که به وابستگی‌های درازمدت منجر شود، چراکه معتقدند بسیاری از این روابط تجربه‌ی بسیاری از لذت‌هایی که برای آنها فراهم می‌شود را از بین می‌برد. این پنداشتها

در میان افرادی که کارکرد ازدواج را امری کاملاً خصوصی می‌پندارند، بیشتر رواج دارد. سالم ۳۶ ساله در این باره می‌گوید:

اعصابم آرومه و درگیریم کم‌تره، در حد توان مالی خود و درآمدی که دارم هر چیزیه که دوس داشته باشم استفاده می‌کنم، زندگی همینه، سعی می‌کنم همیشه خوش باشم و این برام کافیه.

۵-۵-پیامدها

بنابر تجربه‌ی زیسته‌ی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، تأخیر در سن ازدواج برای خود آنها و اطرافیان‌شان پیامدهایی را به همراه دارد که در ادامه آمده است.

۵-۵-۱- تنش در تعامل با خویشاوندان نزدیک

کیفیت تعامل مردان مجردی که ازدواج آنها به تعویق افتاده است با چالش‌هایی که اغلب خصلتی تنش‌زا دارند، مواجه بوده است. این تنش‌ها در ارتباطات روزمره با خویشاوندان نزدیک این افراد (به‌ویژه افراد با وابستگی درجه ۱) در پاره‌ای از موارد، زمینه‌های طرد فرد مجرد و گسیختگی در تعامل میان افراد خانواده را به دنبال داشته است. اجتناب افراد مجرد از ازدواج (به هر دلیل) برانگیختن واکنش‌های انتقادی اطرافیان نزدیک را در پی دارد و از آنجاکه این «تعویق» در تضاد با عرف و عادت‌های پذیرفته شده‌ی خویشاوندان مرد مجرد قرار می‌گیرد، ماهیت ارتباطی که ویژگی آن تنش است در چنین وضعیتی اجتناب‌ناپذیر بوده است. تجربه‌ی سیامک چنین نقل شده است:

... به‌جز خواهر کوچیکه‌م با بقیه [اعضای خانواده] سر اینکه چرا زن نمی‌گیری و آبرومونو تو فامیل برده‌ای و این حرفا حقیقتاً یه سالی میشه رابطه‌ی اونجوری ندارم ... هر وقت می‌رفتم خونه بابام همش دعوا و جنگ اعصاب و این حرفا بود خُب...

۵-۵-۲- بروز دوگانگی در عواطف

تأخیر در ازدواج برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان از نظر ذهنی مسائلی را تعریف کرده است که می‌توان خلاف برخی از قواعد زندگی زناشویی باشد. برای آن دسته از افرادی که تأخیر در ازدواجشان یک تصمیم اختیاری ابراز شده است، نپذیرفتن بسیاری از الزامات زندگی زناشویی‌ای که معمولاً بار عاطفی دارند، با توجیهاتی که ماهیتی دوگانه دارند، همسو است. چنین تقابل‌هایی فارغ از صورت و نوع آن در میان این افراد بسیار رواج داشته است. نظر سهراب ۳۳ ساله چنین بوده است:

... بچه خیلی دوست دارم اما اگه یه زمانی با کسی ازدواج کنم اصلاً دلم نمیخاد بچه‌دار بشم نه تو این وضعیت و نه هر وضع دیگه‌ای ... نه اینکه از پس بزرگ کردنش برنیام ها!

۵-۳-۳- فرسودگی توجیه شده‌ی انگیزه

با یکنواخت شدن بسیاری از جوانب زندگی در زمان مجرد، فرسایش انگیزه‌ی مردان مجرد به یک ویژگی اجتناب‌ناپذیر آن ذیل یک پیامد تبدیل می‌شود. سازوکار این وضعیت به‌نوعی است که مردان مجرد را با نوعی یکنواختی مواجه می‌کنند و باعث می‌شود تا اهدافی را که نیل به آن صبغه‌ای از فایده‌ی اجتماعی دارد را دنبال نکنند. پیگیری نکردن این اهداف نیز از جانب آن معقول به نظر می‌رسد. در این خصوص محمد ۴۳ ساله چنین می‌گوید:

... برنامه‌ی خاصی که ندارم ولی ناراضی‌ام نیستم، خیلی از مسئولیت‌ها رو ندارم خُب ... الان نسبت به سابق حوصله خیلی از کار رو ندارم، شاید وانمود کردن هم یه زمانی دیگه جواب نده ولی همینه که هست...

۵-۴-۵- گریز از مسئولیت

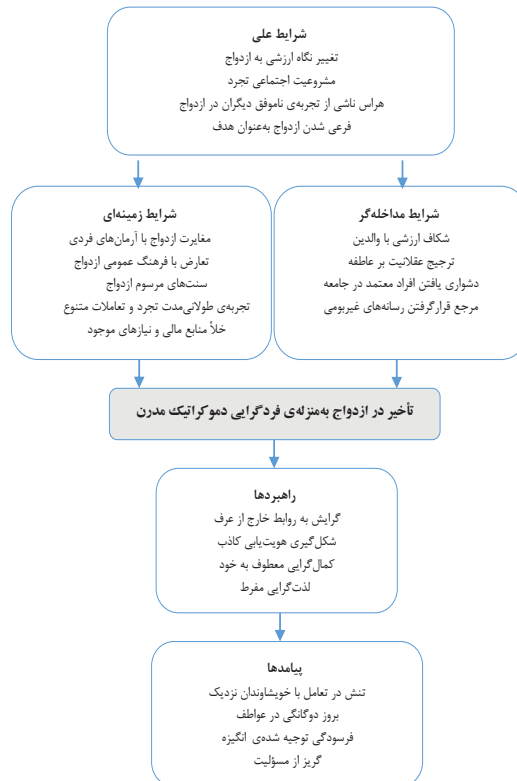
افرادی که از زمان عرفی ازدواج آنها مدت بسیاری سپری شده است، در قبال جامعه مسئولیت کمتری را احساس می‌کنند. از آنجاکه تأهل در بسیاری از تفاسیر در مجاورت مفاهیمی همچون «تعهد» کاربرد دارد، در جامعه اثرات فراوانی از خود برجای می‌گذارد و در مقابل افراد مجرد، عموماً چنین طرز تلقی‌هایی ندارند. افرادی که ازدواج کردن را لزوماً یک وظیفه‌ی اجتماعی در نظر نمی‌گیرند و اقدام به آن را به‌مثابه یک امر کاملاً فردی فرو می‌کاهدند، قادر نخواهند تا با جریان‌هایی هماهنگ شوند که آرمان‌های جامعه را پوشش می‌دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره می‌گوید:

به‌اندازه‌ای که می‌گن شاید مهم نیست، وضع یه جوریه که الان تفاوتی میان مجرد و متأهل نیست... وقتی مجردی خیلی راحت می‌تونی خوش بگذرونی و مشکلات دوران تأهلی رو هم نداشته باشی. زیر بار مسئولیت زن و بچه رفتن خیلی سخته...

۵-۶- تأخیر در ازدواج به‌منزله‌ی فردگرایی دموکراتیک مدرن

تغییر در باورها، ارزش‌ها و مبادی فکری و عقیدتی افراد بسیاری از جوانب معنادار رفتاری و تصمیم به انجام یک عمل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. مصاحبه‌های این مطالعه، بر اثرپذیری افراد مجرد از تغییرات واقع‌شده در دنیای مدرن دلالت می‌کند، به‌گونه‌ای که اقدام به ازدواج -به‌منزله‌ی

یک ضرورت اجتماعی - نسبت به سابق فاقد برجستگی بوده و در بسیاری از مواقع ازدواج ذیل یک تکلیف و حتی یک نیاز فردی از شعاع اندیشه‌ی این افراد خارج می‌شود. این در حالی است که برای غالب این افراد، ازدواج به‌عنوان امری که نهاد خانواده را تعریف می‌کند، طرد نمی‌شود، از این رو به‌اندازه‌ای که مردان مجرد ازدواج در کلیت آن را می‌پذیرند، اقدام نکردن به آن نیز برای آنها پذیرفته است. از چنین وضعیتی می‌توان به‌عنوان «فردیتی» که از شرایط متنوع علی، زمینه‌ای و میانجی تحت تفاسیری که نسبت زیادی با پنداشت‌های جوامع دموکراتیک عمدتاً غربی دارد، یاد کرد. بر این اساس، پیچیدگی و تنوع عوامل اثرگذار بر یک پدیده‌ی اجتماعی مانع از تمرکز به یک عامل ویژه بر تأخیر سن ازدواج دارد. ازدواج مردان مجرد در زمینه‌های موجود (فارغ از ارزش‌گذاری‌های فرهنگی و عقیدتی حاکم بر جامعه‌ی خود)، بر ساخت مناسباتی است که از درون سازوکارهای پیچیده‌ی جهان مدرن - به‌عنوان یک ضرورت - ایجاد شده است و مجرد ماندن را به‌مثابه وضعیتی که امکان بروز اختلال در کارکردهای موجود را باعث نمی‌شود، تقویت کرده است.



شکل ۱. مدل نهایی زمینه‌ای درک پیامدهای تجربه‌ی زیسته‌ی مردان از تأخیر سن ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. این تغییر کارکرد، شبکه‌ی اجتماعی را جایگزین شبکه‌ی خویشاوندی می‌کند و در نتیجه، خانواده به واحد هسته‌ای - که به فردگرایی استوار است - تبدیل می‌شود. فردگرایی بدین معنی است که بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده، مانند تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج را خود افراد اتخاذ می‌کنند. این فردگرایی که می‌تواند عامل کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت خود تلقی شود، فرایند تصمیم‌گیری و عملی شدن آن را در مقایسه با زمانی که خانواده تصمیم‌گیری می‌کرد، متحول می‌کند (Jensen & Thornton, 2003؛ لوکاس و میر ۱۳۸۱). مدرنیزاسیون، انشقاق، گسستگی و تضعیف بین عوامل همبسته‌ی اجتماعی را به وجود می‌آورد و افراد اتم‌هایی مجزا به نظر می‌رسند که به دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند، یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده‌ی افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی حرکت می‌کند و مفهوم خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود. هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق‌پذیری در الگوهای ازدواج و خانواده با شرایط جدید اتفاق می‌افتد.

۱۸۰

عقلانیت و انتخاب‌های عقلانی نیز از تفکراتی است که در این جوامع بسیار مطرح است. در این طرز تفکر فرد برای انجام کنش ابتدا شرایط و توانایی‌های خود را در نظر می‌آورد و سپس دست به کنش‌های عقلانی می‌زند و بر اساس اولویت‌بندی‌های شخصی کنش را انجام می‌دهد. او از یک دید منفعت‌طلبانه دست به کنش می‌زند یعنی آن چیزی را انتخاب می‌کند که بیشترین رضایت خاطر را برای وی به همراه دارد و این آن چیزی است که با تفکرات جوامع مدرن هم‌خوانی دارد. از مهم‌ترین شاخص‌های مدرنیسم تضاد با سنت، تمایل به نوگرایی، عقل‌گرایی و ... است که به‌خصوص تضاد با سنت همواره در ذات مفهوم مدرنیته نهفته است.

فردگرایی دموکراتیک به نظر مفهومی می‌آید که باری سیاسی دارد؛ بنابراین در این مبحث، از آن به‌عنوان رشته‌ای از تفکراتی که برآیند مناسبات جهان مدرن است، به کار برده می‌شود. همسویی افراد مجردی که ازدواج آن به تأخیر افتاده است، هنگامی که در معرض پرسش از علت ازدواج نکردن قرار می‌گیرند، متأثر از مفاهیمی که ارزش‌های حاکم بر جهان مدرن را بازنمایی می‌کنند، استدلال‌های خود را صورت‌بندی می‌کنند. وجه دموکراتیک بودن فردیت در این قاعده نهفته است که کنش‌های فردی عاری از عناصری از تهدید و آسیب به دیگران است. با وجود این، نمی‌توان تأخیر در ازدواج با چنین پنداشتی را در مورد تمامی جوامع صادق دانست؛ بنابراین

ازدواج نکردن در جامعه‌ی امروز ما متأثر از چنین امری است.

در مجموع، تأخیر سن ازدواج در میان مردان مجرد شهر تهران، تابع الگویی است که بیشترین مشروعیت خود را از پنداشت‌هایی که ماحصل مدرنیته است، اتخاذ می‌کند. اقدام به ازدواج همانند غالب کنش‌های فردی و اجتماعی افراد، از عقلانیتی تبعیت می‌کند که در آن «فرد» محوری‌ترین مفهومی است که می‌تواند مسائل اجتماعی را مطابق با وضعیت خویش بدون محدودیت تفسیر کند. بخشیدن چنین آزادی عملی به افراد تا زمانی که نظم حاکم را مختل نکنند، پذیرفته و محترم است؛ بنابراین کاهش ازدواج به‌عنوان یک امر اجتماعی (در فرهنگ جامعه‌ی ایران) به یک مسئله‌ی شخصی (در اندیشه‌های مدرن غربی) پیامدهایی را در پی خواهد داشت که گاهی در تناقض با ارزش‌های موجود قرار می‌گیرد. نباید از نظر دور داشت که بخشی از این شرایط مستقیم و غیرمستقیم همبستگی فراوانی با وضعیت عمومی جامعه دارد.

بنا بر یافته‌های این پژوهش و با توجه به اهمیت و ارزش ازدواج در جامعه‌ی ایران و با هدف تخفیف آسیب‌های ناشی از آن پیشنهاد می‌شود با استفاده از راهبردی‌هایی نهادگرایی، اثر شرایط زمینه‌ای، شرایط علی و میانجی‌ای - که به تأخیر در سن ازدواج در جوانان منجر می‌شوند - را تخفیف داد. به‌گونه‌ای که عوامل انگیزاننده‌ی ازدواج را با استفاده از مشوق‌هایی که ماهیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و عقیدتی دارند، تقویت کرد.

منابع

- ◀ اشتراوس، آنسلم و جولیت کوربین، (۱۳۹۰). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه‌ی بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ◀ اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- ◀ آیت‌اللهی، زهرا و همکاران، (۱۳۹۴). *دانش خانواده و جمعیت*، تهران: دفتر نشر معارف.
- ◀ بالاخان‌عیسی‌لو، قادر، (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده ایرانی»، (پایان‌نامه دکتری تخصصی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، به راهنمایی امیر ملکی، تهران، دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی).
- ◀ باومن، زیگمونت، (۱۳۸۷). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه‌ی عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- ◀ بک گرنسهایم، الیزابت، (۱۳۸۸). *خانواده در جهان امروز*، ترجمه‌ی افسر افشار نادری، بیتا مدنی، تهران: بی‌جا.
- ◀ پیری، یونس، (۱۳۹۷). «بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر بر سن ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۵»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی).
- ◀ جنادله، علی و مریم رهنما، (۱۳۹۳). «دگرگونی در الگوی متعارف خانواده ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های علی)»، *خانواده پژوهی*، د ۱۰، ش ۳۹.
- ◀ خالقی فر، مجید، (۱۳۸۱). «بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی جوانان تحصیل‌کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن با برخی از نشانگان فرهنگی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، ش ۳.
- ◀ رفیعی، معصومه، (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر تأخیر در سن ازدواج دختر تحصیل‌کرده و شاغل بر نگرش آنها نسبت به همسان‌همسری در دستگاه‌های اجرایی سازمان تأمین اجتماعی تهران»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، به راهنمایی ژاله توکلی‌والا، تهران، دانشگاه آزاد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ شهرزی، لاله، (۱۳۸۶). «بررسی پیامد اجتماعی افزایش سن ازدواج دختران دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، به راهنمایی حبیب‌الله زنجانی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ عباسی، پرینسا، (۱۳۹۵). «بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران با تکیه بر تغییرات سبک زندگی»، *تحقیقات جدید علوم انسانی*، د ۲، ش ۳.
- ◀ فعله‌گری، زینب، (۱۳۹۶). «تجربه زیسته دختران از تأخیر در ازدواج و راه‌کارهای مواجهه با آن (مطالعه موردی: شهر کرج)»، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی، به راهنمایی ستار

- پروین، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی).
- ◀ کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). «تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن»، پژوهش زنان، ۲، ش ۳.
- ◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی، مترجم منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- ◀ _____، (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- ◀ لوکاس، دیویی و پاول میر (۱۳۸۱). «درآمدی بر مطالعات جمعیتی»، ترجمه حسین محمودیان، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ مداحی، جواد، طاهره لطفی خاچکی، شهلا باقری، (۱۳۹۸). «برساخت معنای تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریه زمینه‌ای مطالعه موردی دانشجویان دختر شهر مشهد»، زن در توسعه و سیاست، د ۱۷ ش ۱.
- ◀ نقیعی، سید ابوالحسن و مهرانه حمیدی، (۱۳۹۴). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائم‌شهر»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، د ۲۵ ش ۱۳۱.

- Bhatia, R.a, Tambe. (2014). "Raising the age of marriage in 1391s India: Demographers, despots, and feminists", *Women's Studies International Forum*, (44).
- Cherlin, Andrew. (2004). "The deinstitutionalization of American marriage". *Journal of Marriage and the Family* (66).
- Claudia Geist (2017). Marriage Formation in Context: Four Decades in Comparative Perspective, *Department of Sociology, University of Utah, 380 S 1530 E RM 301, Salt Lake City, UT 84112, USA; claudia.geist@soc.utah.edu*.
- Claudia, Geist. (2017). Marriage Formation in Context: Four Decades in Comparative Perspective, Department of Sociology, University of Utah, 380 S 1530 E RM 301, Salt Lake City, UT 84112, USA; claudia.geist@soc.utah.edu.
- Gebel, M. Heyne, S (2016). "Delayed transitions in times of increasing uncertainty: School-to-work transition and the delay of first marriage in Jordan", *Research in Social Stratification and Mobility*, In Press, Corrected Proof -Note to users.
- Kelani Karamat (2016), "Perceptions on Implications of Delayed Marriage: A Case Study of Married Adults in Kuala Lumpur", *International Journal of Social Science and Humanity*, 6(8).

- ▶ Kudos, Y (2015). "Female Migration for Marriage: Implications from the Land Reform in Rural Tanzania", *World Development*, (65).
- ▶ Lloyd, C.B (2005). Growing up global. "The changing transitions to adulthood in developing countries. Washington, DC: The National Academies Press".
- ▶ Murayama, S (2001). "Regional standardization in the age at marriage: A comparative study of pre-Industrial Germany and Japan", *The History of the Family*, 6(2).
- ▶ Rosina, Alessandro & Romina, Fraboni (2004). "Is marriage losing its centrality in Italy? Demographic Research, Volume 11, Article 6.
- ▶ Sharp, E. & L, Ganong (2011). "I'm a loser, i'm not married, let's just all look at me": ever-single women's perceptions of their social environment: *Journal of Family Issues*, 32(7).
- ▶ Van de Putte, B.F, Van Poppel.S, Vanassche.M, Sanchez.S, Jidkova. M, Eeckhaut.M, Oris.K, Matthijs. (2009). The Rise of Age Homogamy in 13th Century Western Europe. *Journal of Marriage and Family*, 91(5).
- ▶ Van den Berg, G.J. S, Gupta (2015). "The role of marriage in the causal pathway from economic conditions early in life to mortality", *Journal of Health Economics*, (41).
- ▶ Wang, H aiping & A. Douglas, Abbott (2013). "Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou", *Women's Studies International Forum*, Vol. 40.
- ▶ Wang. Haiping , & Abbott , A . Douglas , (2018) , " Waiting for Mr. Right : The Meaning of being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou " , *Women ' s Studies International Forum* , Vol. 40 .
- ▶ Jensen. Robert, Thornton, Rebecca, (2003). "Early Female Marriage in the Developing World", *Gender and Development*, Vol. 11.